

## روان‌شناسی تطبیقی رنگ‌ها در دیوان بشار بن برد و شوریده

### شیرازی بر پایه نظریه ماکس لوشر

محسن احمدی<sup>۱</sup>، فائزه عرب یوسف‌آبادی<sup>۲</sup>، عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی<sup>۳\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه امام رضا (ع)

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۰۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۱۱

#### چکیده

بشار بن برد، شاعر نابینای عرب و شوریده شیرازی، شاعر نابینای فارسی‌زبان، در تصاویر شعری به صورت چشمگیری از رنگ استفاده کرده‌اند. این مقاله با نقد روان‌شناسانه شخصیت بشار و شوریده بر اساس آزمایش رنگ ماکس لوشر، در تلاش است تا با روش توصیفی تحلیلی رنگ‌های دیوان این دو شاعر را بررسی و تحلیل کند. نتایج نشان می‌دهد از میان چهار گروه رنگ در نظریه لوشر، گروه اول در اشعار هر دو شاعر دقیقاً مانند هم است. بر این اساس، بشار و شوریده هر دو از تحریکات شدیدی که منجر به جدایی آنها از جامعه می‌گردد، رنج می‌برند و امیدوارند که بتوانند بر بسیاری از محدودیت‌های خود فائق آیند. با این تفاوت که: بشار با اراده و اهل سازش است و از ارتباط با افراد مورد اعتماد خود احساس آرامش می‌کند، و با همین روحیه سازشگر خود موفق می‌شود خود را با شرایط وفق دهد، خواسته‌هایش را محدود کند و از نزدیکی عاطفی نسنجیده بپرهیزد. اما شوریده با وجود امیدواری به بهبود اوضاع و غلبه بر محدودیت‌ها، فردی زودرنج، حساس و خودمحمور است که اصلاً از وضعیت موجود راضی نیست و تنهایی را ترجیح می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** روان‌شناسی رنگ؛ ماکس لوشر؛ بشار بن برد؛ شوریده شیرازی.

## ۱. مقدمه

شعر آینه تمام‌نمای روحیات شاعر است که رنگ واژگان، به آن جلوه‌ای تأثیرگذار می‌بخشد. شاعران از رنگ و نمودهای آن در ایماژهای شاعرانه بهره‌ها می‌برند و مفاهیم نمادین و بیان‌نشده‌ی شعر خود را از این طریق بیان می‌کنند و اعتلا می‌بخشند. رنگ‌ها در هر فرهنگ و زبانی مفاهیم و معانی مخصوصی دارند؛ با وجود این، زبان اغلب رنگ‌های الهام‌گرفته از طبیعت تأثیر زیادی در یکسان‌نگری اقوام، ملل و فرهنگ‌های مختلف داشته‌است؛ بر این اساس علم روان‌شناسی رنگ قابل توجیه و رهنمونی است به سوی هنجارها و کنش‌ها و رفتارهای روانی شاعران. با توجه به آنچه گفته شد، تکنیک‌های نوین روان‌شناسی دربارهٔ رنگ، لایه‌های پنهان شخصیت شاعر را استخراج می‌کند و از ناخودآگاه و کنش‌های روحی وی پرده برمی‌دارد. آزمایش رنگ «ماکس لوشر»<sup>۱</sup> نظریه‌ای جدید در شناخت روان بشر است که به عنوان راه حل تشخیص بیماری‌ها کاربردهای فراوانی دارد. گفتنی است نتایج حاصل از آزمایش لوشر با اغلب نتایج آزمایش‌های روانی پزشکان یکسان است (Luscher, ۱۹۷۱: ۲۴).

از دیگر سو، نمود رنگ در گفتار و نوشتار نابینایان مادرزاد و غیرمادرزاد با هم تفاوت دارد؛ نابینایان مادرزاد «با نیروی خیال و عواطف و احساسات انسانی‌اش در فهم پدیده‌های دیداری با دیگران شریک می‌شود و هنگامی که الفاظی را می‌شنود که دلالت بر رنگ، نور یا شکل دارند، با حدس و گمان خود به معانی آن‌ها پی می‌برد؛ زیرا آن‌ها را با معانی دیگری که از طریق سایر حواس به دست آورده، قرین می‌کند» (السقطی، ۱۹۶۸: ۱۲۱)؛ ولی نابینایان غیرمادرزاد که در مدت‌زمانی خاص توانسته رنگ‌های مختلف را ببینند، می‌توانند براساس ویژگی روحی و روانی‌اش آنها را در شعرش نشان دهد.

بشار و شوریده شاعران نابینای عرب‌زبان و فارسی‌زبانی هستند که اولی نابینای مادرزاد بود و دومی در مدتی از عمر تجربهٔ بینایی داشت (الاصفهانی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۲۰۵؛ نیکوهمت، ۱۳۵۷: ۴۵). دلیل انتخاب این دو برای انجام پژوهش تطبیقی، شباهت‌های بسیار آن دو در حوزه‌های مختلف فکری و ادبی است؛ نزدیکی فکری آنها به حدی است که نویسندهٔ کتاب دیبای

خسروی چنین اذعان می‌کند: «در سال ۱۳۲۰ق که این بنده را سفر پارس پیش آمد، شوریده را در شیراز دیدم. آنچه در حال بشار نگاشته آمد کاملاً با حال او مطابق آید. از قد بلند و چهره مُجَدَّر، چشمان عاری از مردمک، زبانی طلیق و جد و هزلی متین و شیرین و طبعی مزّاح و نفسی اَبی و جسور و اشعاری بلند از هر نوع و فراستی هرچه تمام‌تر...» (خسروی، ۱۳۷۸: ۱۳۲/۲).

در شعر این دو شاعر نابینا تصاویری مملو از رنگ‌های مختلف ارائه می‌شود که در چپه‌هایی از شناخت روح و روان سراینندگان خویش را بر پژوهشگران می‌گشاید و حقایقی را درباره شخصیت و دلایل کُنش‌های بیرونی این شاعران آشکار می‌سازد. این قابلیت شعر بشار و شوریده از یک سو و فقدان تحقیقی بنیادین درباره تطبیق روان‌شناسی رنگ در شعر آن‌ها از سوی دیگر، نگارندگان را بر آن داشت تا با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به الگوی رنگ لوشر، به تحلیل رنگ‌های به‌کاررفته در دیوان دو شاعر بپردازند و به پاسخ این پرسش‌ها برسند که:

- بسامد رنگ‌های به‌کاررفته در دیوان بشار و شوریده چگونه است؟
- رنگ‌های دیوان بشار و شوریده با کدام گروه نظریه ماکس لوشر مطابقت دارد؟
- با توجه به نابینا بودن هر دو شاعر، بر اساس آزمایش رنگ ماکس لوشر، بشار و شوریده از چه خصوصیات اخلاقی و رفتاری مشابهی برخوردارند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون، آثار ادبی متعددی از منظر روان‌شناسی رنگ مورد پژوهش قرار گرفته‌اند، از آن جمله مقالات: «نگاهی تحلیلی به کارکرد رنگ در شعر م. سرشک» (۱۳۹۰ش) از روحانی و عنایتی؛ «رنگ‌های نمادین در اشعار صلاح عبدالصبور» (۱۳۹۰ش) از سمتی و طهماسبی؛ «جایگاه نمادین رنگ در ادبیات مقاومت نمونه موردی سمیح قاسم» (۱۳۹۱ش) از معروف و باقری؛ «بررسی تطبیقی بسامد کاربرد رنگ در اشعار نیما یوشیج و بدر شاکر سیاب» (۱۳۹۱ش) از سیفی و

مرادی؛ «اللون بین الرومانسية والواقعية: دراسة في شعر سهراب سبهري و سعدي يوسف» (۱۳۹۱ش) از سلیمی و کیانی؛ «القيم التشكيلية للألوان في أشعار نازک الملائكة» (۱۳۹۲ش) از پیرانی و هاشمی؛ «نقد زیبایی‌شناختی رنگ در شعر فرزانه خجندی شاعر رنگ‌ها» (۱۳۹۲ش) از حسینی و منصوری؛ «نگرش تعلیمی-اخلاقی شاعران به رنگ سیاه تا پایان سبک عراقی» (۱۳۹۳ش) از حسینی و سراجی؛ ولی از نظریه لوشر فقط در سه اثر زیر استفاده شده‌است که عبارتند از:

مقاله «روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما: بر اساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر» نوشته پناهی (۱۳۸۵ش) و مقاله «کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد» نوشته علوی مقدم و پورشهرام (۱۳۸۹ش) و مقاله «تحلیل شخصیت سمیح القاسم وفقاً لاختبار ماکس لوشر النفسي» نوشته طالبی و طالب‌زاده (۱۳۹۳ش). در توضیح می‌افزاییم که در مقاله نخست به هیچ‌یک از گروه‌های چهارگانه لوشر و تطبیق آن در مجموعه اشعار نیما اشاره‌ای نشده‌است و جامعه آماری هر سه مقاله با این اثر تفاوت دارد.

درباره روان‌شناسی رنگ در شعر شوریده پژوهش درخوری یافت نشد. در شعر بشار نیز یک مقاله با عنوان «دلالت رنگ‌ها در شعر بشار» نوشته مهدوی‌آرا (۱۳۹۱ش) نوشته شده که به نمادهای رنگ در شعر او پرداخته‌است. آشکار است که این مقاله از حیث روش و نتیجه با پژوهش حاضر تفاوت دارد؛ بنابراین با توجه به پیشینه مذکور می‌توان گفت این مقاله، نخستین اثری است که به بررسی تطبیقی روان‌شناسی رنگ در دیوان بشار و شوریده براساس نظریه لوشر می‌پردازد.

### ۳. معرفی شاعران

#### ۳-۱. بشار بن برد

بشار بن برد (۷۱۴-۷۸۴م) شاعر ایرانی تبار و بلندآوازه سده دوم هجری است. خانواده وی اهل طخارستان بوده‌اند (الاصفهانی، ۱۹۷۰: ۱۳۵/۳). با اینکه نابینا از مادر زاده شد، با فراغ بال به مسجد و مرید بصره در رفت‌وآمد بود و در آنجا به سخن ادبا و علمای وقت گوش فرامی‌داد تا زمینه رشد فکری و ادبی‌اش فراهم گردید (العفیفی، ۱۹۸۳: ۱۲). شعر او نیروی تخیل بالایی دارد و با

---

روان‌شناسی تطبیقی رنگ‌ها در دیوان بشار و شوریده... محسن احمدی، فائزه عرب، عبدالباسط عرب

همین «تخیل عمیق خود که حاصل نابینایی‌اش است تصاویری می‌آفریند که با تکیه بر دیگر حواس او بوده و عواطف خود را بدان وسیله بیان می‌کند. وی با این شیوه بیان توانست به سبک جدیدی در شعر دست یابد که برای افراد بینا، غریب جلوه می‌کرد» (النویهی، ۱۹۵۱: ۱۵).

### ۳-۲. شوریده شیرازی

حاج محمدتقی شیرازی (۱۸۵۹-۱۹۲۶م) مشهور به شوریده در شیراز به دنیا آمد. او از جمله شاعران معاصر نابیناست که از اوان جوانی به تحصیل علوم و کسب فنون پرداخت و در اثر داشتن حافظه بسیار قوی و هوش سرشار و قریحه شاعری، پیشرفت شایانی کرد (فصیحی: ۱۳۸۲)؛ به همین دلیل در سال ۱۳۱۱ق به دربار ناصرالدین‌شاه راه یافت و از جانب او به فصیح‌الملک لقب گرفت (فتحی، ۱۳۷۶: ۵۰۶). شعرهایی که از شوریده به جای مانده، بیشتر در قالب قصیده و غزل و در موضوعاتی چون مدح بزرگان ایرانی و هجو دشمنان آنها و وصف زنان زیباروست. در برخی از قصایدش، واژه‌ها و اصطلاحات شیرازی در کمال مهارت به کار رفته‌است (حکمت، ۱۳۶۴: ۳۶۰).

### ۴. بنیاد نظری پژوهش و روش تحلیل موضوعات<sup>۱</sup>

روان‌شناسی عملکردی روشی است که در آن انتخاب رنگ افراد با روان‌شناسی شخصیت آنها مرتبط است (Luscher: ۲۷). در آزمایش لوشر، هشت کارت با رنگ‌های مختلف به شخص موردآزمایش عرضه می‌شود. چهار رنگ اصلی عبارتند از: آبی، زرد، قرمز و سبز که این مجموعه اهمیت بیشتری دارند. چهار رنگ فرعی نیز بنفش، قهوه‌ای، خاکستری و سیاه است. برای هر هشت کارت رنگی شماره‌ای تعیین شده که انتخاب آن آسان باشد (همان: ۳۲). فرد موردآزمایش کارت‌های

---

۱ لازم به یادآوری است که ترتیب تحلیل رنگ‌های اصلی و فرعی در این پژوهش بر مبنای میزان فراوانی آنها در دیوان بشار و شوریده است و گاهی با ترتیب رنگ‌های اصلی و فرعی لوشر تفاوت پیدا می‌کند؛ ولی با نظریه لوشر در تعارض نیست.

رنگی را بر اساس علاقه خود انتخاب و در هشت بخش اولویت بندی می کند. با توجه به اینکه هر رنگ در چندمین اولویت قرار گرفته، گنش مربوط به آن مشخص می شود.

برای روان شناسی عملکردی رنگ های دیوان بشار و شوریده، ابتدا هشت رنگ آبی (۱)<sup>۱</sup>، سبز (۲)، قرمز (۳)، زرد (۴)، بنفش (۵)، قهوه ای (۶)، سیاه (۷) و خاکستری (۸) با توجه به میزان کاربرد، در یک ردیف قرار گرفت؛ سپس این هشت ردیف به چهار گروه طبقه بندی شد<sup>۲</sup>. ردیف نخست با علامت (+) مشخص شد که بیانگر «تمایل» شاعر است. ردیف دوم که با علامت (+) نمایش داده شد، نشان دهنده «هدف واقعی»<sup>۳</sup> است. ردیف سوم و چهارم که با علامت (x) مشخص شدند، نشانگر «وضعیت طبیعی»<sup>۴</sup> است. ردیف پنجم و ششم نیز با علامت (=) نشان داده شدند که نمایانگر «بی تفاوتی»<sup>۵</sup> است و ردیف هفتم و هشتم دارای علامت (-) و بیانگر «نداشتن تمایل» است (همان: ۳۲-۲۷).

گفتنی است با وجود اینکه رنگ سفید تقریباً یک سوم از مجموع رنگ های دیوان بشار (۳۵/۴۶٪) و یک دهم از مجموع رنگ های دیوان شوریده (۱۰/۹۳٪) را به خود اختصاص می دهد، ولی به این دلیل که رنگ سفید در آزمایش لوشر جزء هیچ یک از هشت رنگ خاص نیست، در این پژوهش سخنی از آن به میان نخواهد آمد. در ادامه پس از ارائه فراوانی و درصد رنگ های هر دیوان، به توصیف و تبیین آنها می پردازیم.

۱. شماره های کنار هر رنگ، نشانه های خاص همان رنگ است که در فرمول لوشر تعریف می شود (برای اطلاع بیشتر رج. Luscher: ۲۹).
۲. در آزمایش لوشر، برای دریافت نتیجه بهتر آزمایش، بر روی هر فرد دو بار آزمایش انجام می شود، لذا چهار گروه دوتایی وجود دارد. اما چون در این جا بر روی شعر شاعر آزمایش صورت می پذیرد، میزان و ترتیب کاربرد رنگ در آن یکسان است و قابل تغییر نمی باشد؛ لذا تنها یک آزمایش انجام می دهیم.
۳. مثلاً کسی که هدف واقعی اش، آرامش و صلح است (Luscher: ۲۹).
۴. وضعیت طبیعی، شرایطی است که فرد خود را در آن حس می کند یا حالتی که در وی به وجود می آید و بستگی به آن شرایط دارد (Luscher: ۲۹).
۵. مثلاً استعداد های ویژه ای که دست نخورده باقی مانده و در شرایط خاص، استفاده می شود.

## ۵. فراوانی و درصد رنگ در دیوان‌های دو شاعر

### الف) دیوان بشار بن برد

دیوان بشار مشتمل بر ۶۲۶ قصیده و ۷۳۶۰ بیت است. از این میان در ۱۹۴ بیت از عنصر رنگ استفاده شده است. از سوی دیگر از میان تعداد کلمات کل دیوان مشتمل بر ۶۶۲۴۰ کلمه، بسامد رنگ در این تعداد ۲۰۳ کلمه؛ یعنی ۰/۳۰۶٪ از مجموع کلمات دیوان است. فراوانی رنگ‌ها به ترتیب شامل رنگ‌های سفید، سیاه، قرمز، آبی، زرد، خاکستری، سبز و بنفش است. در زیر جدول فراوانی و درصد واژگان<sup>۱</sup> رنگی در این دیوان ارائه می‌گردد:

جدول شماره ۱. فراوانی و درصد رنگ‌ها در دیوان بشار

رنگ‌ها	سفید	سیاه	قرمز	آبی	زرد	خاکستری	سبز	بنفش	جمع
فراوانی	۷۲	۳۹	۳۰	۲۹	۱۸	۱۱	۳	۱	۲۰۳
درصد	٪۳۵/۴۶	٪۱۹/۲۱	٪۱۴/۷۷	٪۱۴/۲۸	٪۸/۸۶	٪۵/۴۱	٪۱/۴۷	٪۰/۴۹	٪۱۰۰

### فراوانی، چینش و عملکرد رنگ‌های دیوان بشار

جدول شماره ۲. فراوانی و درصد رنگ‌های لوشر در دیوان بشار (با توجه به میزان کاربرد)

رنگ‌ها	سیاه	قرمز	آبی	زرد	خاکستری	سبز	بنفش	قهوه‌ای	جمع
فراوانی	۳۹	۳۰	۲۹	۱۸	۱۱	۳	۱	۰	۱۳۱
درصد	٪۲۹/۷۷	٪۲۲/۹۰	٪۲۲/۱۳	٪۱۳/۷۴	٪۸/۳۹	٪۲/۲۹	٪۰/۷۶	٪۰	٪۱۰۰

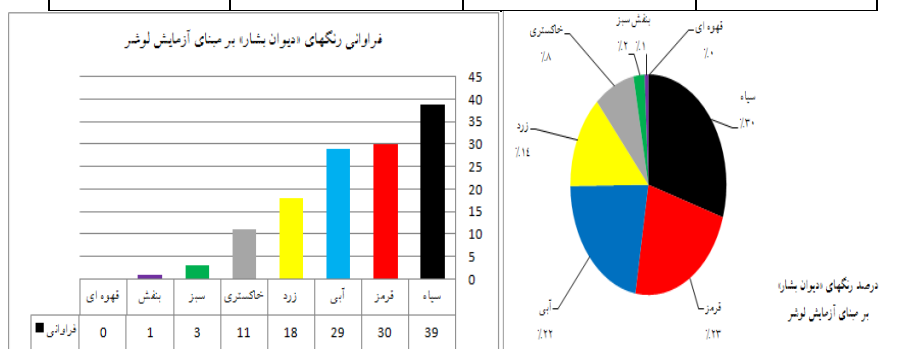
براساس جدول بالا چینش و عملکرد رنگ‌های دیوان بشار چنین است:

رنگ/کد	سیاه(۷)	قرمز(۳)	آبی(۱)	زرد(۴)	خاکستری(۰)	سبز(۲)	بنفش(۵)	قهوه‌ای(۶)
عملکرد	+	+	×	×	=	=	-	-

۱. بسامد و درصد رنگ‌ها در تمامی جدول‌های مرتبط با دیوان بشار بر مبنای فراوانی کل (تعداد ۲۰۳ رنگ) و در جدول‌های مربوط به دیوان شوریده بر مبنای فراوانی کل (تعداد ۲۵۷ رنگ) است. ترتیب فراوانی رنگ‌ها در تمامی جدول‌ها از راست به چپ و در نمودارها از چپ به راست و از زیاد به کم؛ به همین دلیل چینش واژه‌ها در برخی از جدول‌ها با هم متفاوت است.

کد رنگ‌ها [از چپ به راست] نیز این چنین است:  $۶-۵-۲=۰=۳ \times ۱ \times ۴=۰+۷$  که می‌توان آن را به چهار گروه مجزا [از راست به چپ] تقسیم نمود:

گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
+۷+۳	$\times ۱ \times ۴$	=۰=۲	-۵-۶



### ب) دیوان شوریده شیرازی

از میان اشعار دیوان شوریده، آنچه امروزه در دسترس است، ۱۵۰۰۰ بیت است. از این میان در ۲۴۶ بیت از عنصر رنگ استفاده شده است. از سوی دیگر از میان تعداد کلمات کل دیوان مشتمل بر ۱۸۰۰۰۰ کلمه، بسامد رنگ در این تعداد ۲۵۷ کلمه؛ یعنی ۰/۱۴۲٪ از مجموع کلمات دیوان است. فراوانی رنگ‌ها به ترتیب شامل رنگ‌های سیاه، قرمز، سفید، زرد، سبز، آبی و بنفش است. در زیر جدول فراوانی و درصد واژگان رنگی در این دیوان ارائه می‌گردد:

جدول شماره ۳. فراوانی و درصد رنگ‌ها در دیوان شوریده

رنگ‌ها	سیاه	قرمز	سفید	زرد	سبز	آبی	بنفش	جمع
فراوانی	۱۲۲	۷۳	۲۹	۲۸	۱۸	۱۰	۶	۲۵۷
درصد	۴۷/۴۷٪	۲۸/۴٪	۱۰/۹۳٪	۱۰/۸۹٪	۷٪	۳/۸۹٪	۲/۳۳٪	۱۰۰٪

### فراوانی و چینش و عملکرد رنگ‌های دیوان شوریده

جدول شماره ۴. فراوانی و درصد رنگ‌های لوشر در دیوان شوریده (با توجه به میزان کاربرد)

رنگ‌ها	سیاه	قرمز	زرد	سبز	آبی	بنفش	خاکستری	قهوه‌ای	جمع
فراوانی	۱۲۲	۷۳	۲۸	۱۸	۱۰	۶	۰	۰	۲۲۸
درصد	۵۳/۵٪	۳۲/۰۱٪	۱۲/۲۸٪	۷/۸۹٪	۴/۳۸٪	۲/۶۳٪	۰٪	۰٪	۱۰۰٪



روان‌شناسی تطبیقی رنگ‌ها در دیوان بشار و شوریده... محسن احمدی، فائزه عرب، عبدالباسط عرب

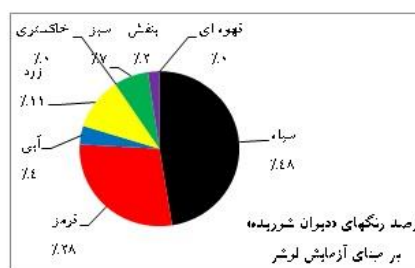
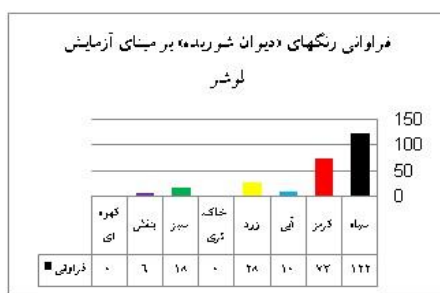
براساس جدول قبل، چینش و عملکرد رنگ‌های دیوان بشار چنین است:

رنگ/کد	سیاه (۷)	قرمز (۳)	زرد (۴)	سبز (۲)	آبی (۱)	بنفش (۵)	خاکستری (۰)	قهوه‌ای (۶)
عملکرد	+	+	×	×	=	=	-	-

و کد رنگ‌ها - از چپ به راست - این چنین است:  $۶-۰=۱=۵-۳ \times ۴ \times ۲+۷$  که می‌توان

آن را به چهار گروه مجزا - از راست به چپ - تقسیم نمود:

گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
$۳+۷$	$۲ \times ۴ \times ۲$	$۵=۱$	$۶-۰$



لازم به یادآوری است که گروه اول رنگ‌های دیوان بشار و شوریده (دو رنگ نخست) که نقش بسزایی در تعیین نتایج دارند، دقیقاً مانند هم است. در ادامه تحلیل‌های هر گروه با ذکر شواهدی از اشعار هر شاعر ارائه می‌شود.

## ۶. تحلیل روان‌شناسانه عملکرد رنگ‌ها در دیوان دو شاعر

## ۶-۱. شباهت‌ها

## الف) گروه نخست رنگ‌ها در شعر هر دو شاعر: زوج سیاه و قرمز (۳+۷)

## □ سیاه (۷+)

سیاه از رنگ‌های مهمی است که در فرهنگ‌های مختلف حضور زبانی و معنایی فعال دارد. در فرهنگ عرب این رنگ «رمز شر و بدی و مرگ است» (الفیسی، ۱۹۹۷: ۱۵). سیاهی، تیره‌ترین رنگ است که خودش را نفی می‌کند. این رنگ بیانگر مرزی است که در مقابل آن همه چیز متوقف می‌شود و پوچی و عدم را القا می‌کند (Luscher: ۷۹).

با توجه به آمار و ارقام ارائه‌شده، رنگ سیاه در دیوان بشار بسامد بالایی دارد و بر دیگر رنگ‌ها غلبه می‌کند. این رنگ با ترکیباتی همچون اسب سیاه، شب، لباس عزا، کلاغ، مو، سپاه انبوه، چشمان یار و... به کار رفته است. در بخش‌هایی از شعر او، نمود کارکرد پوچی و نابودگری رنگ سیاه با توصیف شب همراه است. شب با سکوتی که بر آن حکم فرماست، محملی می‌شود تا شاعر درد و اندوه خود را به خاطر بیاورد و در آن تأمل کند؛ اما چیزی جز سیاهی نمی‌باید و حتی سپیده‌دم نیز نمی‌تواند این تاریکی را برطرف سازد؛ از این رو نگرانی و اندوهش دوچندان می‌شود:

أضلَّ الصَّباحُ المَسْتَنيرُ سَبيلَهُ      أم الدهرُ ليلٌ كُلُّهُ لَيْسَ يَبْرُحُ  
كأنَّ الدُّجى زادت و ما زادت الدُّجى      و لكن أطال الليلَ هُم مُبْرِحٌ<sup>(۱)</sup>

(بشار، ۱۹۹۶: ۴۵/۲)

در این بیت غلبه و سطوت رنگ سیاه بر سفید رمزی می‌شود که نشان‌دهنده اعتقاد شاعر بر اقتدار و تسلط ناآرامی و شر و ایستادگی قدرتمندان آن در برابر آرامش و صلح و زندگی است. چنین تصویرسازی و مفهوم‌سازی نمادینی، غلبه روحیه منفی و آزرده شاعر را منعکس می‌کند. او در جایی دیگر نیز از رنگ سیاه در همین مضمون استفاده می‌کند و شب را آن قدر سیاه و تار می‌بیند، تو گویی سیاهی در سیاهی عجین شده است:

وَمَا عَلِمْتُ بِمَا قَدْ جَنَيْتُ      إِذَا انْجَابَ مَوْصُولٌ إِلَيْهِ سَوَادٌ<sup>(۲)</sup>

(همان: ۲۱۳/۱)

روان‌شناسی تطبیقی رنگ‌ها در دیوان بشار و شوریده... محسن احمدی، فائزه عرب، عبدالباسط عرب

در بیت زیر نیز شاعر با استفاده از رنگ سیاه در تلاش است تا پوچی و نابودی را به تصویر بکشد و مرگ و تباهی را سیاه جلوه دهد:

أَمْ لَئِذَا الْعَـيْشَـةُ تَبَارَتْ      وَأَرَى الْمَمُوتَ أَسْوَدَ<sup>(۳)</sup>  
(همان: ۱۶۳/۲)

از دیگر سو در شعر شوریده نیز همین وضعیت را می‌بینیم. رنگ سیاه در دیوان شوریده نیز بسامد بالایی دارد و حضور آن در مقایسه با دیگر رنگ‌ها چشمگیر است و با ترکیباتی همچون سیاه‌بخت، سیاه‌روز، سیاه‌چشم، شب سیاه، دل سیاه، غول سیاه، سیاه‌پوش، زلف سیاه، ابر، خال و... به کار رفته است. جلوه این رنگ در بیت زیر با تکرار ترکیب‌سازی با سیاه به خوبی آشکار است:

سیه‌رویی سیه‌روزی سیه‌قلبی سیه‌کاری      کلامین آه از من پاک شوید این سیاهی‌ها  
(شوریده، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

گفتنی است در نظریه لوشر، بسامد حضور یک رنگ، مبنای تحلیل قرار می‌گیرد؛ در واقع تعداد رنگ‌های موجود در یک دیوان به ترتیب بسامد حضور آن‌ها، دل‌بستگی شاعر به رنگ‌هایی خاص را نشان می‌دهد؛ بنابراین، با وجود این که بشار و شوریده در برخی از ابیات اشعارشان رنگ سیاه را در توصیف امور مطلوبی همچون زیبایی موی یار یا زیبایی شب (بشار، ۱۹۹۶: ۵۲۸/۲)؛ (همان: ۴۶۵/۱)؛ (شوریده شیرازی: ۲۶۵) به کار برده‌اند، بسامد و چینش رنگ سیاه در دیوان آن‌ها ثابت می‌کند که انتخاب رنگ سیاه به عنوان رنگ اول (+۷) نمایانگر این حقیقت است که هر دو شاعر احساس می‌کنند هیچ چیز آن‌طور که باید باشد، نیست؛ بنابراین در مقابل سرنوشت و تقدیر خویش ایستادگی می‌کنند (Luscher: ۷۹).

□ قرمز (+۳)

رنگ قرمز بیانگر نیروی حیاتی، فعالیت اعصاب و غدد است و آرزو و امیال و اشتیاق را نشان می‌دهد. این رنگ اراده انسان را به حرکت وادار می‌دارد تا به پیروزی دست یابد (Luscher: ۷۰). قرمز

با تمامی مفاهیم خاص خود در جایگاه دوم (۳+) شعر بشار و شوریده قرار دارد و به همین دلیل بیانگر این نکته است که آن‌ها اشخاصی قوی، فعال و سرزنده هستند و از فعالیت لذت می‌برند و فعالیت آن‌ها در راستای به دست آوردن موفقیت و پیروزی است (Luscher: ۱۱۳).

با توجه به توضیحات پیشین در این بخش نیز، بسامد حضور رنگ قرمز به عنوان دومین رنگ در دیوان هر دو شاعر نشانگر این تحلیل‌های روان‌شناسانه است؛ زیرا رنگ قرمز همیشه در نظر این دو شاعر بر امور منفی دلالت ندارد؛ بلکه گاه بستری می‌شود برای توصیف سرخی صورت یار و لبان او: (بشار: ۹۱/۲)؛ (همان: ۳۴۴/۲)؛ (شوریده شیرازی: ۵۱۷). از جمله کاربردهای این رنگ در دیوان بشار و شوریده می‌توان به خون، شمشیر سرخ، ستاره قرمز، خورشید، اشک خون، روی سرخ، شراب و لب اشاره نمود.

با توجه به آنچه گفته شد، از ترکیب مفاهیم روان‌شناسانه رنگ سیاه و قرمز (۳+۷) جمع بندی حقیقی روحیات بشار و شوریده بهتر به دست می‌آید؛ بر این اساس، هر دو شاعر از تحریکات شدیدی که منجر به جدایی آنان از جامعه می‌گردد، به شکل غیرارادی و ناخواسته رنج می‌برند (Luscher: ۱۲۲). ابیات زیر گواه این مدعا است:

قَرَمْتُ بِي خَلْفِ السُّتُورِ لِأَفْوَى هِرِّ الْمَنَايَا مِنْ بَيْنِ مُحَرِّ و سُودٍ<sup>(۴)</sup>  
(بشار: ۲۴۵/۲)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود حضور رنگ قرمز و سیاه در تصویرسازی شعر بستری را فراهم می‌کند که دنیای اضطراب و بی‌قراری شاعر و رنج ناخواسته او را منعکس می‌کند؛ شاعر به شکلی غیرارادی خود را طعمه دهان رنجی می‌بیند که در سراسر پس‌زمینه عاطفی و روحی او تثبیت شده است. قرمز در شعر شوریده نیز چنین وضعیتی دارد:

گواهانند اشک سرخ و روی زرد بر به عویم سزدگر واثق آبی زین گواهی‌ها  
(شوریده شیرازی: ۱۶۷)

## ۶-۲. تفاوت‌ها

### ۶-۲-۱. گروه دوم رنگ‌ها

#### الف) گروه دوم در دیوان بشار: زوج آبی و زرد (۴×۱)

##### □ آبی (۱×)

آبی، رنگ سکون و تعادل است و رنگی است که به شکلی استعاری با آرامش آب و طبیعت آرام مرتبط می‌شود (علوی‌مقدم و پورشهرام، ۱۳۸۹: ۸۶). در شعر بشار، آبی از بسامد نسبتاً خوبی برخوردار است و با ترکیباتی همچون چشم آبی، آب، دریا، آسمان و... به کار رفته است:

كأتمما عاينت بي عائفاً أزرق من أهل حوراء<sup>(۵)</sup>  
(بشار: ۶۴/۱)

تراخت في النعيم فلم تنلها حواسد أعين الشرق القباح<sup>(۶)</sup>  
(بشار: ۱۱۴/۲)

با تطبیق جدول رنگ لوشر درمی‌یابیم که این رنگ در جایگاه سوم (۱×) شعر بشار است. این جایگاه این حقیقت را آشکار می‌سازد که او «در ایجاد روابط با دیگران به آرامی و با حداقل اضطراب ممکن عمل می‌کند و دوست دارد در معاشرت‌ها و ارتباط با دیگران از آرامش روحی و جسمی قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار باشد» (Luscher: ۱۲۴).

##### □ زرد (۴×)

زرد از نورانی‌ترین رنگ‌هاست. صفات اصلی رنگ زرد عبارتند از: روشنی، انعکاس امیدواری و خوشی روحی که انبساط‌پذیری، نرمی و آرامش روان را نمایان می‌سازد (Luscher: ۷۲). زرد در دیوان بشار با ترکیباتی همچون باران طلا، زره طلایی، نور خورشید، آهوی گندمگون، زمین و... به کار رفته است. در مجموع می‌توان گفت که رنگ زرد در جایگاه چهارم (۴×) انتخاب بشار قرار گرفته و حاکی از آن است که وی «به چیزهای جدید و فریبنده تمایل زیادی دارد و

از امور یکنواخت و کسل‌کننده پرهیز می‌کند» (همان: ۱۳۱). تمایل شاعر به شراب زردرنگ و محبوبه زردپوست در بیت زیر همین امر را نشان می‌دهد:

وَأَصْفَرَ مِثْلُ الزَّعْفَرَانِ شَرِبْتُهُ      عَلَّيْ صَوْتِ صَفْرَاءِ التَّرَائِبِ رُودٌ<sup>(۷)</sup>

(بشار: ۲۰۳/۲)

برای درک بهتر ویژگی‌های روانی شاعر باید ترکیب آبی و زرد (×۱×۴) را مورد ارزیابی قرار داد. بر این اساس او «باراده و اهل سازش است و زمانی که با کسی یا گروهی که مورد اعتماد وی است، ارتباط نزدیک برقرار می‌کند، احساس آرامش و قرار می‌کند» (Luscher: ۱۳۰). این ویژگی در مورد رابطه عاشقانه بشار با عده، نمود واضحی دارد که هرچند دیگران از این رابطه او ناراضی بودند؛ اما وی به سخن دیگران وقعی نمی‌نهد و از عشق خود به عده احساس آرامش می‌کند:

مَيِّقُ الدُّنْيَا فِي حُبِّ عَبْدَةٍ مَعَشَرٌ      قُلُوبُهُمْ فِيهَا مُخَالَفَةٌ قَلْبِي  
قُلْتُ دَعَوْا قَلْبِي بِمَا اخْتَارَ وَارْتَضَى      فَبِالْقَلْبِ لَا بِالْعَيْنِ يُصِيرُ ذُو اللَّسَبِ  
وَمَا تُبْصِرُ الْعَيْنَانِ فِي مَوْضِعِ الْمَوَى      وَلَا تَسْمَعُ الْأُذُنَانِ إِلَّا مِنَ الْقَلْبِ<sup>(۸)</sup>

(بشار: ۱۴۳/۱)

### ب) گروه دوم در دیوان شوریده: زوج زرد و سبز (×۴×۲)

#### □ زرد (× ۴)

در نظریه لوشر رنگ زرد چه در جایگاه سوم و چه چهارم انتخاب شاعر باشد حاکی از ویژگی‌های روانی یکسانی است؛ لذا تمامی مواردی که درباره رنگ زرد در شعر بشار اشاره نمودیم برای شوریده نیز صدق می‌کند. زرد در شعر شوریده به همراه ترکیب‌هایی چون خورشید، نور، چهره یار و... به کار رفته است.

#### □ سبز (×۲)

سبز بین آبی و زرد قرار دارد و نتیجه تداخل امواج رنگی آن‌هاست (شوالیه، ۱۳۸۲: ۵۱۷). از نظر روان‌شناختی، نمایانگر هدف و اراده و عمل است (غازی التدمری، ۱۹۹۶: ۴۳) که پایداری، ثبات و ایستادگی را القا می‌کند (Luscher: ۶۷). در ابیاتی که شوریده از رنگ سبز استفاده کرده است،

امید و سرزندگی جلوه دارد و این امر سبب می‌گردد تا احساسات خروشانش تعدیل شود؛ علاوه بر این در شعر شوریده این رنگ با ترکیباتی همچون درخت، سبزه، چمن، حریر، باران، بوستان و... به کار رفته‌است.

با تطبیق جدول لوشر می‌بینیم که سبز در شعر شوریده در جایگاه چهارم (X۲) قرار گرفته‌است. حضور این رنگ در این جایگاه نشان‌دهنده شخصیتی است دارای روحیه‌ای مُصر که حق مسلم خویش را درخواست می‌کند و از موقعیت بی‌عیب و نقص خود دفاع می‌کند (Luscher: ۱۲۴). برای درک بهتر ویژگی‌های روانی شاعر باید ترکیب زرد و سبز (۲ X۴X) را مورد ارزیابی قرار داد. بر این اساس او «امیدوار است که وضعیت بهتر و اعتبار بیشتری به دست آورد و بتواند بر بسیاری از محدودیت‌های خود فایز آید» (همان: ۱۳۲). منابع مرتبط با زندگی و روحيات شخصی و اجتماعی شوریده نیز بر حقیقت این مدعا صحه می‌گذارند که وی علی‌رغم محدودیت‌های جسمانی و رنج‌های حاصل از آن، با پشتکاری و پافشاری سعی در به دست آوردن خواسته‌هایش داشت و قصد داشت با افکار و اندیشه‌های خاص خود خرق عادت کند و آن چیزهایی را که برایش آرمان تلقی می‌شد به دست آورد (شیفته، ۱۳۰۷: ۸۱).

## ۲-۲-۶. گروه سوم رنگ‌ها

الف) گروه سوم در دیوان بشار: زوج خاکستری و سبز (۲=۰=)

□ خاکستری (۰=)

خاکستری نشانه سوگواری، شرم، نجابت و محبت است (سمتی و طهماسبی: ۱۲۸). از منظر روان‌شناسی رنگ لوشر، رنگ خاکستری دارای هیچ محرک و تنش روانی نیست؛ به عبارت دیگر این رنگ خنثی، نه ذهنی است و نه عینی، نه هیجان‌انگیز و نه آرام‌کننده (Luscher: ۶۱). خاکستری در شعر بشار کارکرد کمتری دارد و در توصیف گرگ و زمین به کار رفته‌است.

این رنگ، در جایگاه پنجم (=۰) جدول انتخاب رنگ لوشر قرار می‌گیرد و نشان‌دهنده این حقیقت است که بشار تلاش می‌کند که برای کاهش اضطراب خویش در برابر تضادها یا مزاحمت‌ها مقاومت نماید (همان: ۶۲). این ویژگی بشار در آثار تاریخی گزارش شده‌است و در این‌باره تصریح شده که او هر چیزی را که با اندیشه و تفکر خود متناقض می‌پنداشت، نمی‌پذیرفت و در برابر آن ایستادگی می‌کرد (الاصفهانی: ۱۲۹/۳) تا جایی که با محدودیت‌های مرتبط با نایبایی خود دست‌وپنجه نرم می‌کرد و نمی‌گذاشت این محدودیت، مانع عشق‌ورزی او شود:

أَتَىٰ وَوَلَّمْ تَرَهَا تَصَّبُو فُقُلْتُ هُم      إِنَّ الْفُؤَادَ يَرِي مَا لَا يَرِي الْبَصَرُ<sup>(۱)</sup>

(بشار: ۵۳/۲)

□ سبز (=۲)

قدما در تشخیص رنگ سبز با رنگ آبی تفاوتی قایل نمی‌شدند و در بسیاری از جاها آسمان را به جای آبی، سبز می‌پنداشتند (صفری، ۱۳۸۹: ۹۷)؛ به عنوان مثال بشار در بیت زیر رنگ سبز به رود خروشان و پرآب نیل اطلاق می‌شود که سبز به نظر می‌رسد:

وَوَلَعَبُ النُّونِ يُرِي بَطْنَهُ      مِنْ ظَهْرِهِ أَحْضَرَ مُسْتَصْعِبِ<sup>(۱)</sup>

(بشار: ۳۵/۱)

از دیگر سو سبز سمبل ایمان، توکل و فناپذیری ابدیت است (علی‌اکبرزاده، ۱۳۷۵: ۷۲). عرب‌ها سبز را بیش از هر رنگ دیگری دوست دارند زیرا «چراگاه برای ایشان مهمترین مظهر و منبع زندگی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۷۰). در شعر بشار این رنگ، رابطه تنگاتنگی با طبیعت دارد و نوعی پاکی و صفا را القا می‌کند. در بیت زیر لباس سبز رنگ محبوبه‌اش زمینه‌القای این معانی گشته است:

وَعَدَاهُ الْحَمِيسُ قَدْ مَوَّتَّنِي      ثُمَّ رَاَحَتْ فِي الْحُلَّةِ الْحَضْرَاءِ

(بشار: ۴۹/۱)

سبز در جایگاه ششم (=۲) دیوان بشار قرار دارد و از نظر لوشر بدین معناست که «شرایط به گونه‌ای است که فرد نمی‌تواند موقعیت خود را تثبیت کند؛ اما تلاش می‌کند که موقعیت مطلوب خود را بسازد» (Luscher: ۱۷۶). برای درک بهتر ویژگی‌های روانی شاعر



باید ترکیب خاکستری و سبز (۲=۰) را که در جایگاه سوم انتخاب شاعر قرار دارد، مورد ارزیابی قرار داد. بر این اساس بشار «به خوبی درک می‌کند که از آنچه در زندگی شایسته‌اوست، بهره کمتری می‌برد؛ اما چاره‌ای ندارد و باید خود را با شرایط وفق دهد» (همان: ۱۳۵). گواه این مدعا چند بیت شعری است که در آن بشار خود را فرزند ساسان و نوۀ کسرا و خواهرزاده قیصر می‌خواند تا با این انتساب ساختگی، به برخی از خواسته‌هایش برسد:

جَدِّي أَلْمَدِي أَسْمُو بَه      كِسْرَى وَ سَاسَانُ أَبِي  
وَقَيْصَرُ خُرَّمَالِي إِذَا      عَمَدْتُ يَوْمًا نَسِي<sup>(۱)</sup>

(بشار: ۳۷۹/۱)

### ۳-۲-۶. گروه سوم در دیوان شوریده: زوج آبی و بنفش (۵=۱)

□ آبی (۱=)

رنگ آبی ۱۰ بار در دیوان شوریده به کار رفته و بیشتر برای توصیف آسمان و دریا به کار رفته است. با مراجعه به جدول رنگ لوشر، آبی به عنوان انتخاب پنجم (۱=) شاعر این حقیقت را نشان می‌دهد که او «از لحاظ عاطفی خیلی وابسته نیست، حتی زمانی که رابطه‌ای بسیار نزدیک نیز داشته باشد احساس وابستگی نمی‌کند» (Luscher: ۱۷۶).

□ بنفش (۵=)

رنگ بنفش در دیوان شوریده ۶ بار تکرار شده و در توصیف گل‌ها به کار رفته است. بر مبنای نظریه لوشر، اگر بنفش در انتخاب ششم (۵=) شاعر باشد بیانگر این است که وی «زودرنج و حساس است و این ویژگی درونی‌اش را تنها به نزدیک‌ترین دوستانش مطرح می‌کند و دیگران از آن مطلع نمی‌گردند» (همان: ۱۸۴). با توجه به ترکیب گروه سوم آبی و بنفش (۵=۱) درمی‌یابیم که شوریده «خودمحور است و زودرنج و تنهایی را ترجیح می‌دهد» (همان: ۱۷۷).

## ۴۴-۲-۶ گروه چهارم رنگ‌ها

## الف) گروه چهارم در دیوان بشار: زوج بنفش و قهوه‌ای (۶-۵-)

رنگ بنفش و قهوه‌ای و ترکیبات آن دو، جایگاه خاصی در شعر بشار ندارد و تنها یک بار رنگ بنفش به کار رفته‌است. اگر این زوج در آخرین اولویت انتخاب فردی قرار بگیرد حکایت از آن دارد که این شخص تمایلات درونی برای ایجاد روابط صمیمی و عاطفی دارد؛ ولی تفکرات منتقدانه او سبب می‌گردد که برای فرار از انتقاد دیگران از نزدیکی عاطفی نسنجیده بپرهیزد و خود را مجبور به محدود کردن خواسته‌هایش نماید و براساس قوه تشخیص و بصیرت فقط افرادی را به خود نزدیک کند که نگرشی مشابه او دارند و همانند او می‌اندیشند (Luscher: ۱۷۶). با مراجعه به منابع تاریخی درمی‌یابیم که نظرات فوق با شخصیت بشار بسیار منطبق است، به طوری که درباره انسان‌هایی که با او در تعارض بودند چنین می‌گوید: «خدا را شاکرم که مرا نابینا آفرید، تا کسی را که نسبت به او مبعوضم، نبینم» (الاصفهانی: ۱۳۳/۳).

## ب) گروه چهارم در دیوان شوریده: زوج خاکستری و قهوه‌ای (۶-۰-)

شوریده در دیوان خویش از رنگ خاکستری و قهوه‌ای بهره‌ای نبرده‌است. ترکیب این دو رنگ در آخرین اولویت شاعر، این پیام را می‌رساند که وضعیت موجود برای شوریده رضایت‌بخش نیست و «او در پی مرادده با کسانی است که همچون خودش عالی هستند. کنترل غرایز نفسانی توانایی‌اش را محدود می‌کند؛ اما انزوای برآمده از آن، او را تسلیم می‌کند و وادار می‌سازد که با دیگران تماس برقرار کند. این وضعیت باعث نگرانی وی می‌شود و غرایز موجود به عنوان نقطه‌ضعفی تلقی می‌گردد که باید بر آن‌ها غلبه کند. او می‌خواهد فقط به خاطر خودش، محبوب و مورد علاقه باشد و به توجه و احترام دیگران نسبت به خودش نیاز دارد» (Luscher: ۱۹۶) و به همین دلیل علی‌رغم انتقاد دیگران، خود را این‌گونه مورد تأیید قرار می‌دهد:

گو بخندید که گر زشتم در چشم شما در بر مادر خود، خوب چو قرص قمرم

(شوریده شیرازی: ۸۹)

## نتیجه‌گیری

بنابر روان‌شناسی عملکردی رنگ ماکس لوشر، گروه‌های چهارگانه رنگ در دیوان بشار به ترتیب از راست به چپ عبارتند از:

گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
+۷+۳	×۱×۴	=۰=۲	-۵-۶

و همچنین در دیوان شوریده به شکل زیر است:

گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
+۷+۳	×۴×۲	=۱=۵	-۰-۶

با مقایسه گروه‌های رنگ در شعر بشار و شوریده مشخص شد گروه اول رنگ‌های اشعار هر دو شاعر (دو رنگ نخست) که نقش بسزایی در تعیین نتایج دارند، دقیقاً مانند هم است. بر اساس این شباهت می‌توان گفت بشار و شوریده از تحریکات شدیدی که منجر به جدایی آن‌ها از جامعه می‌گردد، به شکل غیرارادی و ناخواسته رنج می‌برند. از دیگر سو گروه‌های دوم و سوم و چهارم رنگ‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌هایی است که فردیت و تشخیص روان این افراد را به شرح زیر آشکار می‌کند:

□ در شعر بشار گروه دوم رنگ‌ها (زوج آبی و زرد (×۱×۴)) حاکی از آن است که او بازاده و اهل سازش است و زمانی که با کسی یا گروهی که مورد اعتماد وی است، ارتباط نزدیک برقرار کند احساس آرامش و قرار می‌کند. در شعر شوریده گروه دوم رنگ‌ها (زوج زرد و سبز (×۴×۲)) نشانگر آن است که وی امیدوار است وضعیت بهتر و اعتبار بیشتری به دست آورد و بتواند بر بسیاری از محدودیت‌های خود فایق آید.

□ در شعر بشار گروه سوم رنگ‌ها یعنی زوج خاکستری و سبز (=۰=۲) نشان می‌دهد وی به‌خوبی درک می‌کند از آنچه در زندگی شایسته اوست، بهره کمتری می‌برد؛ اما چاره‌ای ندارد و باید خود را با شرایط وفق دهد. سومین گروه رنگ‌ها در شعر شوریده (زوج آبی و

بنفش (۵=۱) نشان می‌دهد او از لحاظ عاطفی وابسته نیست، اما زودرنج، حساس و خودمحور است و تنهایی را ترجیح می‌دهد.

□ چهارمین گروه رنگ‌ها در شعر بشار (زوج بنفش و قهوه‌ای (۶-۵-)) است و بدین معناست که او تمایلات درونی برای ایجاد روابط صمیمی و عاطفی دارد؛ ولی تفکرات منتقدانه او سبب می‌گردد که برای فرار از انتقاد دیگران از نزدیکی عاطفی نسنجیده بپرهیزد و خود را مجبور به محدود کردن خواسته‌هایش نماید و براساس قوه تشخیص و بصیرت فقط افرادی را به خود نزدیک کند که نگرشی مشابه او دارند و همانند او می‌اندیشند. گروه چهارم رنگ‌ها در دیوان شوریده، زوج خاکستری و قهوه‌ای (۶-۰-) است و این پیام را می‌رساند که وضعیت موجود برای او رضایت‌بخش نیست، لذا با کسانی مراد می‌کند که همچون خودش عالی هستند. کنترل غرایز نفسانی توانایی‌اش را محدود می‌کند؛ اما این انزوا او را تسلیم می‌کند و وادار می‌سازد که با دیگران تماس برقرار کند. این وضعیت باعث نگرانی وی می‌شود و غرایز موجود به عنوان نقطه‌ضعفی تلقی می‌شود که باید بر آن‌ها غلبه کند. بشار می‌خواهد فقط به خاطر خودش محبوب و مورد علاقه باشد و به توجه و احترام دیگران نسبت به خودش نیاز دارد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. «آیا صبح درخشنده راهش را گم کرده است یا اینکه روزگار سراسر تاریکی است و پایانی ندارد؟. تو گوئی تاریکی شدت می‌گیرد و در حقیقت این تاریکی نیست که شدت گرفته بلکه غمی ویرانگر است که شب را به درازا کشانده است».
۲. آن شب به تاریکی محض بدل می‌شود، تو گویی وقتی رنگ سیاه به خود می‌گیرد، سیاهی دیگری نیز به دنبال آن می‌آید و بسیار تیره و تاریک می‌گردد.
۳. گاه به زندگی امیدوار می‌شوم، اما مرگ را سیاه می‌بینم.
۴. در پس پرده مرا طعمه‌دهان مرگ‌های سیاه و قرمز کرده است.
۵. تو مرا همچون کسی خواهی یافت که از هرگونه بدی اکراه دارد و رنگ چهره‌اش آبی است (شادمان) و از روستای حروراء است.
۶. او در ناز و نعمت است و حسودان چشم‌آبی و زشت‌منظر به او دست نمی‌یابند.
۷. شراب زردرنگ همچون زعفران را نوشیدم و به صدای محبوبه زردپوست گوش فرا می‌دادم.
۸. گروهی مرا در عشق به عبده نکوهش می‌کنند و در این عشق با من موافق نیستند. به آن‌ها گفتم: دل مرا با آن‌چه خود اختیار کرده و بدان خشنود است، رها کنید، انسان دانا با چشم دل می‌نگرد نه با چشم سر. چشم‌ها در جایگاه عشق چیزی نمی‌بینند و گوش‌ها فقط از دل فرمان می‌گیرند.
۹. «گفتند: چگونه درحالی که معشوق را نمی‌بینی عاشقش شده‌ای؟ گفتم: دل چیزی را می‌بیند که چشم را یارای دیدن آن نیست».
۱۰. رود نیل، تفرجگاه ماهی‌هاست و درونش از روی آب، سبزرنگ دیده می‌شود.
۱۱. اگر روزی نسیم را بر شرمم، پدر بزرگم کسری است که به واسطه او به بزرگی می‌رسم و پدرم ساسان است و دایم‌ام قیصر روم.

## کتابنامه

### الف) عربی

- الإصفهانی، أبو الفرج (۱۴۰۷ق)، **الأغاني**، شرح: سمير جابر، ط ۱، بیروت: دارالفکر.
- بشار بن برد (۱۹۹۶م)، **دیوان**، شرح: حموي، حسین، ط ۱، بیروت: دارالجليل.
- السقطي، رسيمة موسى (۱۹۶۸م)، **أثر كَفّ البصر على الصورة**، ط ۱، بغداد: أسعد.
- عفيفي، محمد الصادق (۱۹۸۳م)، **بشار بن برد دراسة و شعره**، ط ۲، بیروت: دار الرائد العربي.
- غازی التدمري، محمد؛ الغزّي، كمال ياسين (۱۹۹۶م)، **نظرات في الأدب العربي الحديث**، ط ۱، مصر: دارالإرشاد.
- الفيفي، عبدالله (۱۹۹۷م)، **الصورة البصرية لدى الشعراء العميان**، ط ۱، رياض: النادي الأدبي.
- نويهي، محمد (۱۹۵۱م)، **شخصية بشار**، ط ۱، القاهرة: مطبعة النهضة المصرية.

### ب) فارسی

- خسروی، محمد رحيم (۱۳۷۸ش)، **ديباي خسروي**، چ ۱، تهران: روشن.
- شفيعی كدكنی، محمدرضا (۱۳۸۳ش)، **صور خیال در شعر فارسی**، چ ۳، تهران: آگاه.
- شوالیه، ژان ژاک؛ و دیگران (۱۳۸۲ش)، **فرهنگ نمادها**، ترجمه: فضائلی، سودابه، چ ۹، تهران: جیحون.
- شوریده شیرازی، محمדתقی (۱۳۸۸ش)، **کلیات، تحقیق: فصیحی، خسرو**، چ ۱، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- علی اکبرزاده، مهدی (۱۳۷۵ش)، **رنگ و تربیت**، چ ۲، تهران: میشا.

### پ) مقالات

- حکمت، علی اصغر (۱۳۴۶ش)، «شوریده شیرازی»، **مجله ارمان**، شماره ۷، صص ۳۵۵-۳۶۵.
- سمتی، محمد مهدی؛ طهماسبی نگهداری، نرجس (۱۳۹۰ش)، «رنگ‌های نمادین در اشعار صلاح عبدالصبور»، **مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی**، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- شیفته، میرزاحسین خان (۱۳۰۷ش)، «شوریده شیرازی»، **مجله ارمان**، دوره نهم، شماره ۲ و ۳، صص ۷۷-۹۲.

---

روان‌شناسی تطبیقی رنگ‌ها در دیوان بشار و شوریده... محسن احمدی، فائزه عرب، عبدالباسط عرب

صفری، جهانگیر؛ زارعی، فخری (۱۳۸۹ش)، «بررسی عنصر رنگ در دیوان خاقانی»، *مطالعات زبانی بلاغی*، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۸.

علوی‌مقدم، مهیار؛ پورشهرام، سوسن (۱۳۸۹ش)، «کاربرد نظریه روان‌شناسی ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۸۳-۹۴.

فتحی، نصرت‌الله (۱۳۷۶ش)، «شوریده شیرازی و درافتادن او با پنج شاعر فحل»، *مجله وحید*، دوره ۱۰، شماره ۵، صص ۵۰۶-۵۱۳.

نیکوهمت، احمد (۱۳۵۷ش)، «شوریده شاعر روشن‌دل فارسی»، *ادبیات و زبان‌ها*، شماره ۲۵۰ و ۲۵۱، صص ۴۵-۴۸.

#### ت) منابع اینترنتی

فصیحی، فرشته (۱۳۸۲ش)، «زندگی‌نامه شوریده شیرازی»، ۱۳۹۴/۰۴/۲۸، به آدرس:

[www.shouridehshirazi.com](http://www.shouridehshirazi.com)

Luscher, Max (1971), **The Luscher Color Text: The Remarkable Test That Reveals Your Personality Through Color**, Trans: Ian Scott, New York: WSP/Pocket Books.

## دراسة مقارنة للألوان في شعر بشار بن برد وشوريدة شيرازي في ضوء نظرية ماكس لوشر النفسي

محسن احمدى<sup>١</sup>، فائزه عرب يوسف آبادى<sup>٢</sup>، عبدالباسط عرب يوسف آبادى<sup>٣\*</sup>

١. طالب الدكتوراه في اللغة العربية و آدابها بجامعة امام رضا (ع)

٢. استاذة مساعدة في قسم اللغة الفارسية وآدابها بجامعة زابل

٣. استاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة زابل

### الملخص

استُخدمت الألوان في الصور الشعرية لدى الشعراء المكفوفين العرب والفرس، بشار بن برد وشوريدة شيرازي استخداما ملحوظاً. تهدف هذه الدراسة التي تنتهج المنهج الوصفي-التحليلي، إلى الكشف عمّا في وجدان الشعراء من خلال التحليل النفسي للألوان في شعرهما وفق نظرية ماكس لوشر. تحكي الدراسة أنّ المجموعة الأولى من المجموعات الأربعة لنظرية لوشر هي المشتركة في شعرهما وهذا يعني أنّهما يعانيان من التحريكات الشديدة التي تسبب انفصالهما من المجتمع ويرغبان في حياة مليئة بالعمل والابتهاج. أما المجموعات الثلاثة الأخيرة مبنية في شعرهما، وهذا يعني أنّ بشار انسان يضغظ على مطالبه ويحب الشعور بالاسترخاء النفسي والهدوء الجسمي في علاقاته مع الآخرين، كما أنه يعتقد أنّ نصيبه من الحياة أكثر مما يكون الآن ولكنه يتماشى مع الظروف ويحدد مطالبه ويحافظ على علاقاته العاطفية محافظة شديدة. أما شوريدة فله حساسية بالنسبة إلى المشاعر وهذا يؤدي إلى القلق الأكثر لديه؛ بحيث لا يرضى عن الظروف الراهنة ولكنه راج بتحسن الأمور والسيطرة على جميع العوائق. وهو يرجح الوحدة، ويطلب من الآخرين أن يكونوا صادقاً كما يرجو الاحترام منهم.

**الكلمات الرئيسية:** التحليل النفسي للألوان؛ ماكس لوشر؛ بشار بن برد؛ شوريدة شيرازي.